

بررسی فقهی حقوقی کار کودک و خلائهای قانونی آن

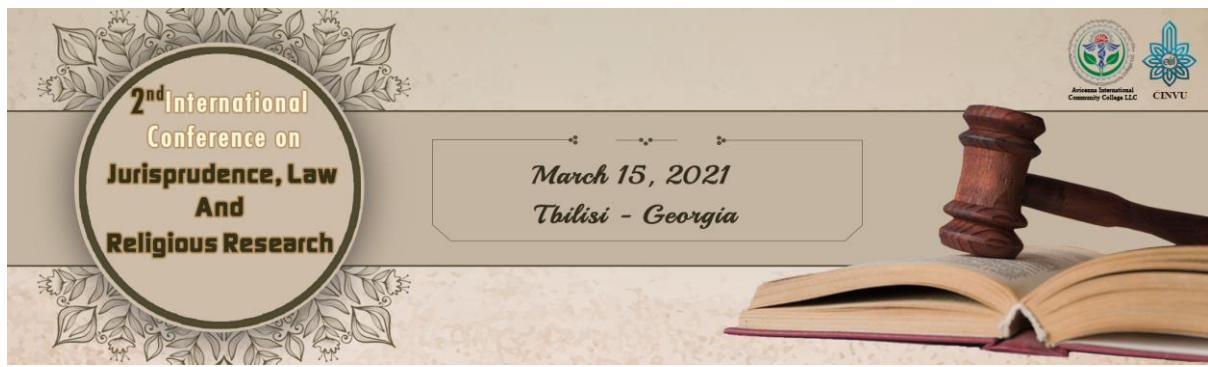
محمد علی راغبی ، زهرا محمدی

چکیده

کار کودکان پدیده‌ای است که در جهان قابل پذیرش نیست به این دلیل که کودکان را از جایگاه انسانی‌شان محروم می‌کند عوامل مهمی از جمله فقر باعث کار کودکان شده و این تحقیق از منظر فقه و حقوق و خلائهای قانونی آن شد کار کودکان از منظر فقه جز در موارد استثنا شده که با اذن ولی باشد جایز نیست و قوانین حقوقی هم آن را باطل دانسته هدف از این تحقیق حمایت خاص و ویژه از کودکان کار و خانواده‌هایشان بوده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که ضمن حمایت‌های که از کودکان شده خلائها و کاستی‌های از جمله عدم تناسب میان جرم و مجازات برای بهره‌کشی از کودکان و همچنین تحت حمایت قانون نبودن گارگاه‌های خانوادگی باعث شده کودکان به عنوان سرمایه انسانی آینده یک کشور در خیابانها و مکانهای پنهان به کارهای نامتعارف کشیده شوند. این بررسی‌ها و

نتایج حاصله با روش توصیفی تحلیلی به دست آمده است

واژگان کلیدی: کار ، کودک، خلائ های قانونی



مقدمه

کار کودکان یکی از نتایج نامطلوب انقلاب صنعتی است که در دهه های اخیر توجه بسیاری از فعالان رشته ی حقوق و سایر رشته از جمله روانشناسی جامعه شناسی و علوم تربیتی و... را به خود جلب کرده است این گروه که در متون فقهی یکی از محجورین است با لفظ صغار از آن نام برده می شود و نمیتوانند به صورت مستقل طرف قرار داد قرار گیرند البته امروزه بیشتر کار کودکان در قالب کودکان کار نمود پیدا کرده است اهمیت این موضوع تا جایی است که در سطح بین المللی اقدامات مهمی در رابطه با حقوق کودکان به خصوص کار آنها انجام شده است از جمله صندوق بین المللی کودکان، صندوق بین المللی کار، معاهدات بین المللی حقوق فرهنگی اقتصادی و اجتماعی و مقابله نامه هایی که در مورد محو بردگی، تجارت انسان، مقابله با بدترین اشکال کار کودکان و.. است اهمیت پرداختن به این موضوع این است که سرمایه ی انسانی یک کشور بلکه یک جهان که آینده سازان آن هستند به وضوح در حال نابودی است این مساله به شدت شاخص امید به زندگی را تحت تاثیر قرار داده است ضرورت این نگرارش تا جایی است که روزانه کار کودکان در حال گسترش است و آسیب پذیری کودکان نیز متقابلا افزایش یافته است و باعث تاثیرات منفی اجتماعی و اقتصادی زیادی بر جوامعی که با این معضل دست و پنجه نرم میکنند شده است هدف این مقاله بررسی فقهی حقوقی کار کودک و خلا های قانونی آن و همچنین بیان آسیب های ناشی از این کار و اتفاقات جبران ناپذیری که دستاورد برخورد با کودکان کار است میباشد.

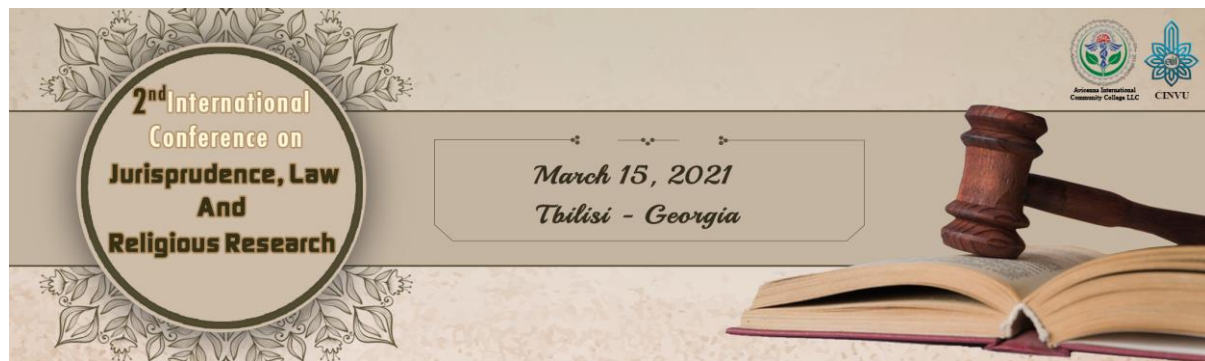
فرضیه ها:

۱_ آثار فقهی حقوقی کار کودکان چیست؟

۲_ خلا های قانونی در خصوص کار کودکان چیست؟

کودکان برای تصرف در اموال خود یا دیگری باید اهلیت داشته باشند و منظور از اهلیت توانایی قانونی شخص برای دارای شدن حق یا دارای آن است در واقع منظور این است که فردی که طرف معامله قرار میگیرد باید دارای بلوغ عقل و رشد باشد و از آنجایی که کودکان فاقد این نوع اهلیت هستند در مورد تصرفات آنها گفته شده دارای اهلیت استیفا نیستند به همین دلیل فقهای مشهور اصل اولیه را در مطلق تصرفات کودک اعم از ممیز و غیر ممیز بطلان معاملات آنان دانستند (صفایی ۱۳۸۸)

دلایل فقها برای بطلان تصرفات کودک آیه: «وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغواالنکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم» (نسا آیه ۶) در این آیه تصرفات کودک منوط به بلوغ و رشد شده است زیرا منظور از یتیم کسی است که پیش از رسیدن به سن بلوغ پدرش را از دست داده است. بنابراین طبق این آیه افراد نابالغ مجاز به تصرف در اموال خود نیستند. حدیث رفع از جمله احادیثی است که فقها برای بطلان تصرفات کودک به آن استناد کرده اند چرا که در این

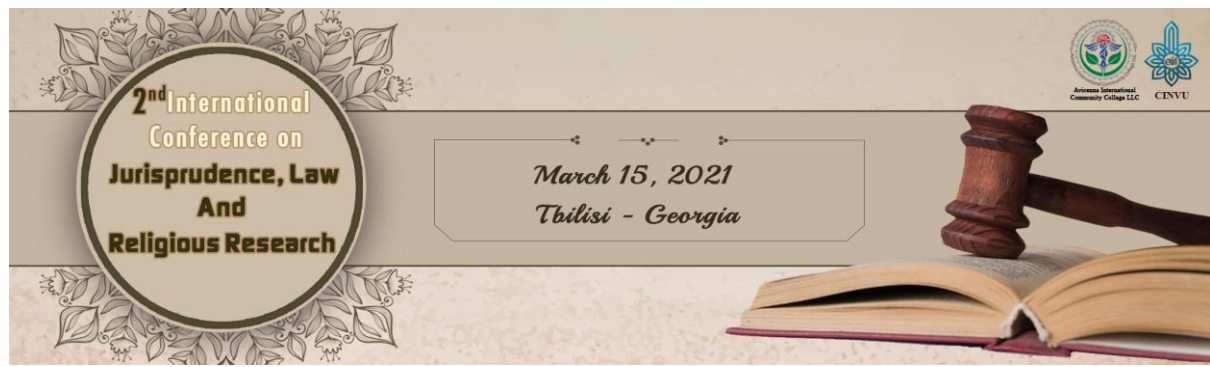


صورت این حدیث تا زمان رسیدن به بلوغ مکلف نیست و از این حیث محجور است. اگرچه مواردی از جمله وقف نابالغ، وصیت نابالغ و تصرفات نابالغ با اذن ولی خارج میشود (شیخ انصاری ۱۳۸۸)

آیه: «ولا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما و ارزقوهم فیها و اکسوهم و قولوا لهم قولاً معروفاً» (نسا\آیه ۷) این آیه با دلالت مطابقی بر عدم جواز واگذاری اموال به سفها و نهی از آن دلالت می کند مفهوم آن به این صورت است که در تصرفات و اختیارات مالی، رشد شرط می باشد و کسانی که فاقد رشد هستند فاقد اختیارات مالی در تصمیم گیری هستند بنابراین طبق این آیه کودکان و سفها محجور هستند و تصرفات مالی آنها باطل است.

آیه: «ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشد» (۱۵۲ و ۳۴ انعام و اسرا) در این آیه گفته شده به مال یتیم به سن بلوغ و رشد برسد جزب بهترین شیوه نزدیک نشوید و در ادامه آیه آمده است به عهد و پیمان وفا کنید زیرا روز قیامت درباره پیمان ها بازخواست خواهید شد. عبارت آخر آیه نشان دهنده حساسیت تصرف در مال یتیم است حال این تصرف میتواند توسط خود کودک یا غیر باشد (۱۳۸۹) اینکه در این آیه گفته شده برای نزدیک شدن به مال یتیم جز به بهترین شیوه نزدیک نشوید بر این دلالت دارد که شارع ولایت بر اموال یتیم را بر عهده گروهی از مومنان قرار داده است و به آنها هشدار می دهد که از تصرفات غیر متقن و ناصواب در اموال آنها پرهیز کنند و در واقع کیفیت ولایت ولی و دلیل اینکه خداوند برای یتیم ولی انتخاب کرده و نحوه ولایت ولی بر یتیم را بیان میکند به همین دلیل یتیم اختیار اموال خویش را به طور مستقل ندارد زیرا دو ولایت مطلق همزمان در کنار هم قرار نمی گیرند (رضوان طلب) روایات

روایتی که فقهای مشهور برای محجوریت و شرط بودن بلوغ برای تصرف در معاملات به آن استناد کرده اند شامل: فی رویه ابی الجارود عن ابی جعفر قال من کان فی یده مال بعض الیتامی فلا یجوز له آن یعطیه حتی یبلغ النکاح و یحتلم... (حویزی ۱۳۹۱). در این روایت از امام باقر نقل شده که هرکس مال یتیمی را در دست دارد جایز نیست که آنرا به یتیم بدهد مگر زمانی که یتیم به حد ازدواج برسد وقتی یتیم به حد ازدواج رسید مسولیت از دوش فرد برداشته میشود و باید مال را بدون هیچ گونه تعدی و تفریط به یتیم بدهد و کودک از این به بعد محجور نیست و میتواند در اموال خود مستقلاً تصرف کند. همچنین در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که بر همین مفهوم دلالت میکند از امام پرسیدند چه زمانی امر و تصمیم یتیم نافذ است؟ فرمود وقتی که به حد "اشده" برسد عرض کرد و منظور از اشده چیست فرمود "بلوغش" در این روایت به طور واضح بر نفوذ امر و عقد صغیر که متوقف بر بلوغ است تاکید شده است و چون روایت اطلاق دارد تصرفات صغیر تا پیش از بلوغ نافذ نیست حتی اگر با اذن ولی باشد البته این تصرفات کودک مربوط به تصرفات مستقل او است و شامل تصرفات غیر مستقل او یعنی مواردی که صغیر در مال خودش یا دیگری به وکالت از او فقد الفاظ را منعقد میکند بدون اینکه اراده او تاثیری بر انشای عقد داشته باشد نیست (حر عاملی ۱۳۹۱)



تصرفات کودک با اذن ولی

در کنزالعرفان آمده است که بطلان عقد صغیر به اصحاب امامیه نسبت داده شده است و ظاهر این است چه ولی اذن داده باشد چه اذن نداده باشد در تذکره آمده است که تصرفات و عقد صغیر به نص و اجماع باطل است چه ممیز باشد چه نباشد (فاضل هرندی ۱۳۸۳)

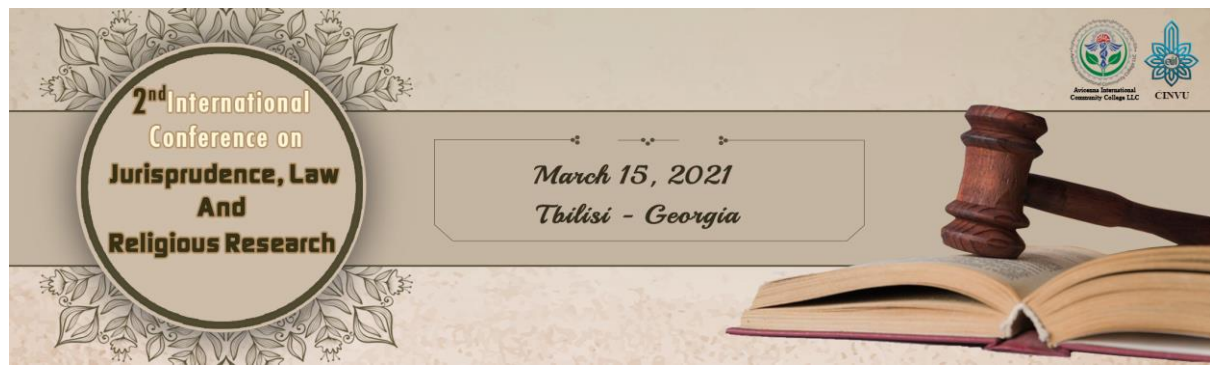
تصرفات کودکان در معاملات کوچک و کلان با توجه به سیره فیض کاشانی کسب و کار کودکان در امور ارزان قیمت و کم اهمیت نافذ است؛ به این دلیل که حرج از مردم برداشته شود و اولیا برای هرچیز کم اهمیتی که مورد نیاز کودکان است به محل خیردو فروش تردد نکنند و از طرفی در گذشته متداول بوده است که کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله به جای اولیاء خود در مغازه اولیاء خود مینشستند و ضمن اینکه از مغازه مراقبت میکردند برخی از اشیاء ارزان قیمت را هم میفروختند (۱۳۸۹) اما این سیره تابع زمان و مکان بود به گونه ای که برای کودک مشکلی پیش نیاید که در صورت عدم امنیت و به وجود آمدن مشکل چنین کاری انجام نمی شود این سیره ناقض سیره عمومی در مورد معاملات کودکان است.

دیدگاه فقهای پیشین و متاخر در مورد عقد کودکان

باتوجه به آیاتی که در ابتدای بحث بررسی شد و همچنین روایت هایی که در امتداد آن آمد از آنجایی که در فقه اسلامی سن خاصی برای تمیز معین نشده است که همه ی فقها بر آن اجماع داشته باشند لذا سن تمیز برای کودکان بسته به محیط خانوادگی و اجتماعی که در آن پرورش یافته اند متفاوت است هرچند در برخی روایات سن ۷ سالگی سن تمیز شناخته شده است در یک تقسیم بندی دیگر کودکان غیر ممیز سن ۱۰ تا ۱۲ سال و کودکان ممیز ۱۲ تا ۱۴ سال است. بنابراین میان فقهای پیشین و متاخر در مورد معاملات صغیر ممیز اختلاف است فقهای پیشین اعمال انشایی صادره از سوی صغیر هرچند ممیز باشد را باطل میدانند خواه با اذن قبلی ولی باشد یا با اذن بعدی ولی باشد و برای ادعای خودشان به آیه های قرآنی در مورد حجر و بلوغ صغیر و همچنین روایات وارده به خصوص دو روایت معروف «رفع قلم» و «عند الصبی الخطأ» استناد کرده اند اما فقهای متاخر نسبت به مستندات تردید کرده اند و معتقداند که معاملات صغیر غیر نافذ می باشد و فقد معاملات او را با تنفیذ ولی دارای اثر قانونی می دانند (مراغی، العناوین) دلیل تردید فقهای معاصر نسبت به معاملات صغیر ممیز اولاً وجود عنصر قصد و انشاء در صغیر ممیز است ثانیاً عدم نفوذ معاملات بدون رضا (معامله مکره، معامله فضولی) می باشد یعنی اینکه صغیر ممیز به درجه ای از رشد رسیده است که مفهوم عقد و التزام به اثار آن را به درستی درک می کند و عرضش کالاها را تا حدی متوجه میشود بنابراین برای حمایت از او بهتر است که معامله او را غیر نافذ بدانیم (محقق داماد ۱۳۹۳)

تصرفات صغیر در اموال غیر

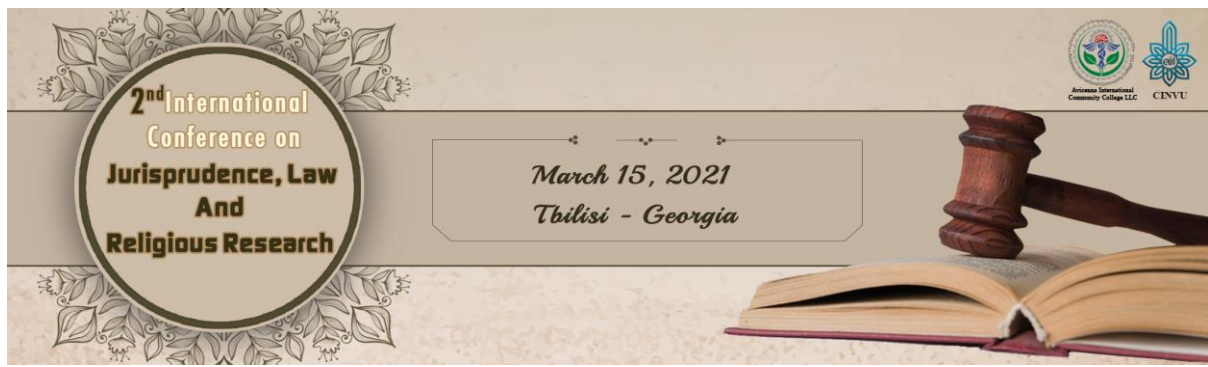
محقق خوئی با توجه به عموم و اطلاق آیات ذیل حکم به صحت تصرفات صغیر در اموال غیر داده است (۱) احل الله الیبع (۲) تجاره عن تراض (۳) افوا بالعقود. این آیاتی که محقق برای صحت تصرفات در اموال غیر به آن استناد کرده است هیچ



اشاره ای به عدم جواز نوع فعل صغیر نداشته است چه برسد به اینکه دلیلی بر عدم جواز آن داشته باشد (خوبی، مصباح الفقاهه). پاسخی که به محقق خوبی داده شده این است که ادله حجر صغیر وجهی ارشادی دارد به این صورت که شخص صغیر تا قبل از بلوغ و رسیدن به حد کمال در نزد عقلا فاقد صلاحیت و اهلیت لازم برای تصرف در اعمال است و این ملاک محجوریت در معاملاتی که برای دیگران و کالتا انجام می دهد نیز وجود دارد مثلا کسی که گواهی نامه رانندگی ندارد ممنوع از رانندگی برای خود و دیگری است یا کسی که معماری نمی داند عقلا ساختمان سازی او را برای خودش یا دیگری ممنوع می کند بنابراین اگر قانون گذار نسبت به حقوق شخصی و عمومی بی اعتنا بود و می توانست از کنار مصالح و مفساد دیگران بی اعتنا گذر کند نیازی به پیش بینی بایی به عنوان حجر نبود (رضوان طلب ۱۳۸۹)

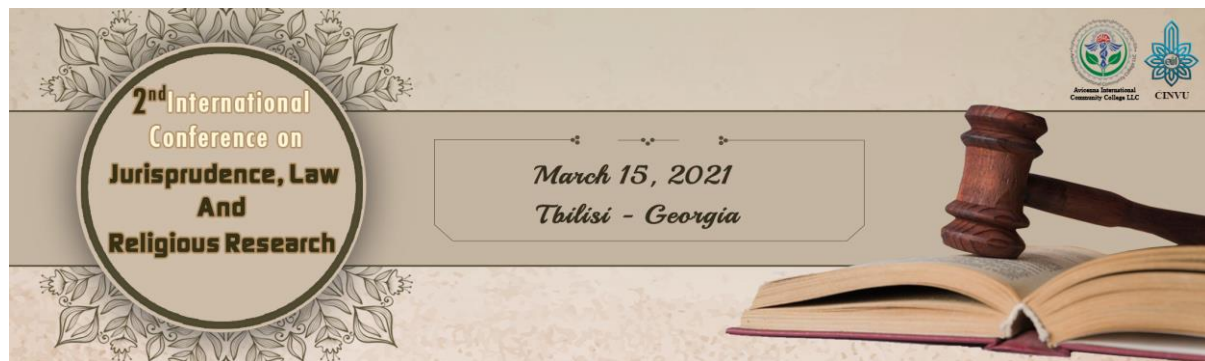
صغیر وسیله ای برای انعقاد عقد

یکی از احادیثی که برای وسیله و واسطه بودن صغیر در عقد به آن استناد شده است، صحیحه ابی الحسین برده فروشده لولو است؛ که می گوید: پدرم از امام صادق (ع) سوال کرد که چه زمانی یتیم می تواند افعال خود را اصالتا انجام دهد؟.. امام فرمود: «زمانی که بالغ شده و احکام بر او واجب شود، میتواند معاملات را انجام دهد، مگر اینکه سفیه یا ضعیف باشد (ایروانی ۱۳۷۹) در مورد اینکه اگر صغیر وسیله ای برای انعقاد عقد بین دو تا بالغ باشد از روایت استثنا شده است به خاطر این است که وقتی بالغین که دو طرف معامله هستند بر سر یک چیزی توافق کرده اند صغیر فقد وسیله ای برای انجام آن اتفاق است چرا که در این صورت بر صغیر صدق نمی شود که معامله از طرف او محقق شده است تا در مورد نافذ بودن یا نبودن او بحث شود با این تفاسیر اطلاق ادله به قوت خود باقی است در نتیجه با توجه به این ادله مانعی برای اینکه معامله ای که صغیر در آن وسیله بوده است پذیرفته نباشد نیست (ایروانی ۱۳۷۹) کار کودکان در گذشته به صورت اجاره بوده است یکی از شرایط اجاره دادن یا اجاره شدن کمال و اینکه شخص جایزالتصرف باشد یعنی مفلس و سفیه نباشد بنابراین اگر چیزی را دیوانه اجاره دهد هر چند ولی او اجازه دهد اجاره صحیح نیست و همچنین اجاره ی صغیر ممیز. چرا که مانند دیوانه الفاظ و عباراتش در انشای عقد شرعا اعتبار ندارد و با این فرض دیگر ممیز بودن او و یا اذن و لیش تاثیری در تصحیح عقد او نخواهد داشت به دلیل اینکه صغیر ممیز هم شرایط صحت عقد اجاره را ندارد (قارویی ۱۳۹۵) مرحوم مقدس اردبیلی از جمله فقهای جدید می باشد که گفته است معاملات صغیر ممیز مطلقا جایز است چه ولی او اذن بدهد چه ندهد برای اثبات ادعای خود به چند دلیل اشاره کرده است از جمله ۱: دلیلی که انواع و اجناس معاملات را صحیح می دانند ۲: روایاتی هستند که وصیت کردن انعقاد عقد تدبیر و صدقه دادن اشخاص صغیر را اجازه داده اند پس وقتی این اعمال که مجانی هستند صحیح باشد به طریق اولی معاملات صغار در عقود معاوضی صحیح خواهد بود ۳: آیه ی ۶ سوره نساء که می فرماید: یتیمان را از امایش کنید تا به سن ازدواج برسند پس اگر رشد آنها احراز شد اموالشان را به آنها بدهید ۴: سیره و رفتار مردم در هر زمان به این صورت بوده که با کودکان معاملات انجام می دادند (الحسینی المرآغی ۱۳۸۸)



بلوغ در اثنای عقد اجاره

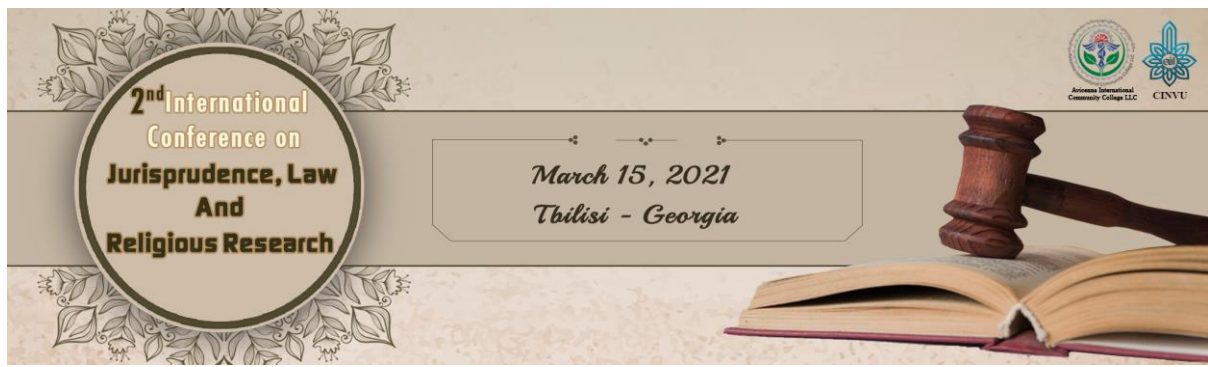
اگر ولی بچه او را برای مدتی به کارگری بدهد و او در ظرف این مدت و او در ظرف این مدت بالغ و رشید شود وقتی به بلوغ و رشد او یقین پیدا شد این اجاره باطل است چون که ولی دیگر ولی بر او ولایت ندارد بنابراین در اجاره اگر نسبت به مدت باقی مانده صحت فضولی اجازه دهنده را شرط ندانیم، اجاره ی فضولی و اگر شرط بدانیم اجاره باطل است اما زمانی که نسبت به بلوغ و رشد کودک شک و تردید باشد اجاره صحیح است همانطور که شیخ انصاری در خلاف از طریق استصحاب ولایت ولی را در این گونه موارد صحیح دانسته است (عمید زنجانی ۱۳۹۱) حال این سوال پیش می آید که اگر در مدت اجاره صغیر به سن بلوغ رسید میتواند قرار دادی را که از جانب ولی منعقد شده است رد کند؟ پاسخ به این شرح است الف_فسخ اجاره بعد از بلوغ صغیر در این صورت اکثر فقها از جمله شیخ طوسی در مبسوط، علامه در قواعد و ارشاد و تذکره ابن ادریس در سرائر و شهید در قواعد و محقق کرکی در جامع المقاصد و شهید الثانی در مسالک گفته اند صغیر میتواند وقتی به سن بلوغ رسید عقدی را که قبل از بلوغ از جانب وی منعقد شده است فسخ کند چون وقتی صغیر بالغ میشود ولی دیگر ولایتی بر او ندارد و اجاره ای که بسته شده فضولی است و میتواند آن را رد کند (خردمند ۱۳۹۴) ب_صحت اجاره بعد از بلوغ صغیر با ثبوت خیار فسخ است در این شرایط صاحب جواهر میفرماید این که گفته شود ولی قبل از بلوغ صغیر صلاحیت این کار را داشته است اما پس از بلوغ دیگر صلاحیت ندارد درست نیست و صغیر بعد از بلوغ اختیارش دست خودش است میتواند معامله ی ولی را رد یا تنفیذ کند و نداشتن اینکه صغیر از کی بالغ شده هیچ تاثیری در حکم واقعی ندارد. علامه در قواعد و محقق ثانی و شهید ثانی این نظر را انتخاب کرده اند. این فقها معتقدند که زمان ولایت قبل از بلوغ بوده است و عقد نسبت به بعد از بلوغ فضولی است بنابراین صغیر بعد از بلوغ حق خیار فسخ دارد و میتواند عقد را فسخ کند. بعضی ها گفته اند اجاره ی کودک نسبت به مدت زیادی اگر به مصلحت کودک باشد واجب است که ولی در حقش تصرف کند بخصوص زمانی که عدم تصرف ولی مفسده در حق کودک باشد. مانند جایی که کودک چهارده ساله است و هنوز به سن بلوغ نرسیده است، اما برای امرار معاش تواناست و میتواند شغل خوبی داشته باشد در این صورت اگر ولی صغیر را اجاره ندهد در حالیکه میداند کودک مثل این شغل را در آینده پیدا نمیکند اما در این صورت برای ولی ترک آنچه برای ولی مصلحت زیادی دارد جایز است (بجنوردی موسوی ۱۳۸۸) ج_صحت و لزوم اجاره بعد از بلوغ صغیر، به اعتقاد این گروه از فقها امامیه و عامه، با توجه به ادله ای که برای تصرفات صغیر و انعقاد عقد ولی از جانب او وجود دارد، ولایت ولی قبل از بلوغ مطلق و تنها مقید به رعایت مصلحت است. بنابراین ولی قبل از بلوغ مولی علیه، و با رعایت مصلحت او میتواند اعمالی را که صغیر قادر به انعقاد و انجام آنها بعد از بلوغ است نیابتا انجام دهد. بنابراین بلوغ غایت ولایت است نه این که قید موضوع ولایت باشد. بنابراین اجاره بعد از بلوغ صغیر صحیح و لازم است (بجنوردی موسوی ۱۳۸۸) در قوانین داخلی قانون مدنی قانون امور حسبی قانون کار قانون خانواده از جمله قوانینی است که در مورد معاملات صغار صحبت شده است ماده ی ۱۲ قانون مدنی مربوط به دسته بندی صغار به دو دسته ی ممیز و غیر ممیز است طبق این ماده اعمال حقوقی صغیر باطل و بلا



اثر است اما صغیر ممیز میتواند تملک بلاعوض است طبق ماده ی ۲۱۴ معاملات صغیر ممیز با اذن ولی یا قیم او صحیح و نافذ است (قانون مدنی) در قانون کار مصوب ۱۳۳۷ حداقل سن اشتغال کودکان ۱۲ سال در نظر گرفته شده است اما در قانون کار ۱۳۶۹ طبق ماده ی ۷۹ به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع اعلام شده است بنابراین افراد زیر ۱۵ سال تمام کارگر شناخته نمیشوند و قوانین کار و مزایای آن نیز شامل حال آنان نمیشود در این قانون کارگر کودک و نوجوان از هم جدا شده و در ماده ی ۸۰ کارگرانی که سن آنها بین ۱۵ تا ۱۸ سال کامل است کارگر نوجوان شناخته میشوند (قانون کار). بنابراین قوانین داخلی هر کدام به گونه ای به حقوق کودکان در زمینه ی کار اشاره کرده اند. در این تحقیق بیشتر سعی بر این است که علل کار کودکان بررسی شود از جمله عوامل مهم در این زمینه فقر میباشد این علت که بطور مستقیم با کار کودکان در ارتباط است و زندگی آنان را بشدت تحت تاثیر قرار میدهد باعث شده که کودکان برای رفع نیازهای اولیه ی خود و خانواده شان در کارگاه های کوچک غیر رسمی مشغول به کار شوند از عوامل دیگر آن از هم پاشیدگی خانواده ها و سیستم های حمایت اجتماعی غیر رسمی والدین بی سواد یا کم سواد، میزان باروری بالا، انتظارات فرهنگی از کودکان در رابطه با کار و آموزش دیدگاه تبعیض آمیز بر حسب جنسیت علت هایی هستند که کودکان را به کار کردن در شرایط خاصی مجبور میکنند. کاهش درآمد ملی، نابرابری در بین ملیت ها و مناطق مختلف، شک های اجتماعی مثل جنگ، بحران مالی و اقتصادی و... عوامل مستقیم یا غیر مستقیم با فقر بوده است که از طرف سازمان بین المللی کار بیان شده است. در دسترس نبودن امکانات تحصیلی باعث شده که خانواده های کم بضاعت برای کودکان کار را جایگزین مناسبی برای تحصیل بدانند. عامل قانونی و اجرایی یکی از دلایل کار کودکان است حمایت های قانونی سختگیرانه از کارگران بزرگسال مثل اخراج، نارسایی قانون کار در برخورد با کار اطفال و عدم اجرای قوانین موجود و همچنین عدم حساسیت مراجع قضایی و قانونی در خصوص استفاده از نیروی کار کودک ناتوانی مسولان در اجرای قوانین و مقررات مربوطه از عوامل قانونی و اجرایی اشتغال و کار کودکان است (تولایی، رفیعی، بیگلریان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۳۸۹)

کار اضطراری کودکان

اضطرار یکی از عناوین ثانویه در فقه شیعه که به خاطر آن حکم اولیه برداشته میشود و اضطرار گاهی در فعل و گاهی در ترک فعل می باشد (نجفی ۱۳۹۵) اگر ناشی از اکراه باشد ضمان از مضطر یا مکره برداشته و متوجه اکراه کننده میکند اما اگر ناشی از اکراه نباشد مضطر ضامن است مانند فردی که به خوردن غذای دیگری اضطرار پیدا میکند که در این صورت ضامن قیمت آن است در بحث معاملات معامله مضطر اگر ناشی از اکراه باشد مانند آنکه فردی به اجبار دیگری خانه اش را بفروشد اما اگر اضطرار وی ناشی از اضطرار نباشد معامله درست است مانند آنکه انسان برای درمان بیماری مجبور به فروش خانه ی خویش گردد. (میدانی، عبدی، فصلنامه ی مطالعات علوم اجتماعی ۱۳۹۵) قانون مدنی در ماده ی ۲۰۶ معامله اضطراری را نافذ می داند و در ماده ۲۰۳ معاملات اکراهی را غیر نافذ می داند وقتی صحبت از کار کودکان در شرایط اضطرار می شود منظور کار کودک به معنای اخص است که به فعالیت های اطلاق می شود که از لحاظ



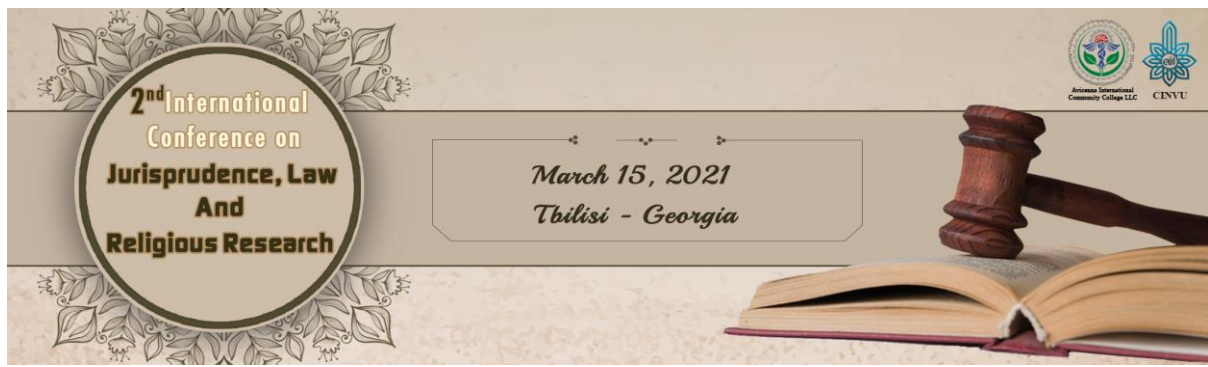
روانی، جسمی، اخلاقی، و اجتماعی نظر به وضعیت کودک برای وی مضر است و کودک قلبا راضی به چنین کاری نیست اما چون در شرایط سختی قرار گرفته است که به درآمد آن برای حفظ خود و خانواده اش نیازمند است قبول می کند که چنین کارهای را انجام دهد انجام این کارها از نظر قانونی صحیح می باشد (فارسانی، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق ۱۳۸۷) چرا که طبق ماده ی ۲۰۶ اگر کسی در نتیجه ی اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود اما این گونه معاملات انجام میشود نیازمند به حمایت قانونی و نظارت بر این نوع کارها است چرا که با توجه به اینکه قانون کودک را از کار کردن ممنوع کرده است وقتی کودک در چنین شرایطی قرار میگیرد نیازمند به حمایت دولت و وجود مکان های برای انجام کار شرافت مندانه و مناسب هستند که در ازای این کارها مزد مورد نیاز را دریافت کند.

کار اجباری کودکان

فطری بودن آزادی انسان آزادی کار را شامل می شود ممنوعیت کار اجباری یکی از اصول مهم حقوق بشر است و سازمان بین المللی کار با آوردن این مطلب که «کار کالا نیست» به ممنوع بودن کار اجباری توجه ویژه ای کرده است (مجتهدی، عزیز لطفی، نشریه کانون وکلای دادگستری ۱۳۹۲) اما قبل از بررسی های قانونی به ذکر تشابه و تفاوت میان اضطرار و اجبار پرداخته می شود؛ وجه تشابه میان اجبار و اضطرار این است که هر دو از عناوین بوده و تغییر دهنده ی عنوان فعل و رافع عقوبت مترتب بر آن هستند یعنی عنوان شرعی فعل را از حرمت به اباحه تغییر داده است و به تبع آن مسولیت پیش بینی شده را زایل میکنند (محقق داماد ۱۳۸۰) اما تفاوت عمده میان اضطرار و اجبار از حیث وجود و عدم قصد و اراده است. اجبار سبب صلب اراده از شخص مجبور می شود؛ اما اضطرار از شخص مضطر صلب اراده نمی کند بلکه فرد مضطر عملی را که انجام می دهد مسبوق به قصد و اراده است. در ماده ی ۲۳ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است هر شخصی حق دارد کار خود را آزادانه برگزیند و در برابر بیکاری حمایت شود و همچنین همه حق دارند که به هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی مزد مساوی بگیرند. در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر به صراحت درباره آزادی انتخاب شغل صحبت شده (هکی ۱۳۹۰) با این وجود که در قوانین داخلی و بین المللی درباره ی حقوق کودکان و کار آنها صحبت شده باز ما شاهد کارهای اجباری توسط کودکان هستیم.

خلاء قانونی

۱) طبق ماده ۷۹ قانون کار «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است» اما برابر ماده ۱۸۸ قانون کار گارگران گارگاهای خانوادگی که انجام کار آنها منحصراتوسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبه اول انجام می شود مشمول مررات این قانون نمی شود. در بعضی موارد والدین و به خصوص پدر از حق ولایت سوء استفاده می کنند و کودک را به کار های سخت و خارج از قانون و توان فرد به کار می گیرند. که مشکلات از جمله کم بینی، پر خاشگری و بد اخلاقی برای آنها به وجود می آورد.

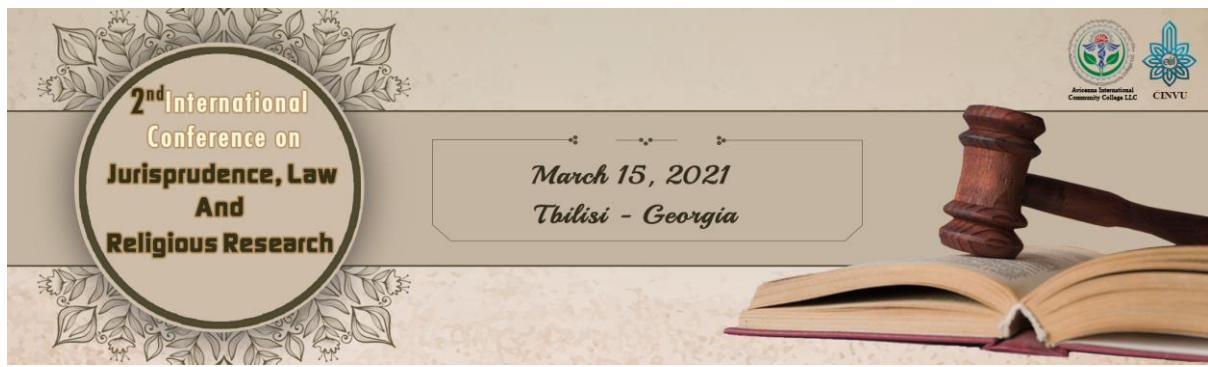


۲) ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که بیانگر عدم تناسب مجازات کارفرمایان با جرم آنان می باشد این ماده "مجازات کسانی را که از کودکان بهره کشی می کنند ششماه تا یکسال زندان و جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال می باشد" این مجازات در برابر جرم کارفرمایان بسیار ناچیز است و عامل بازدارنده نیست چرا که در بعضی موارد اتفاقات جبران ناپذیری می افتد که چندان خانواده را درگیر می کند از جمله جرایم اخلاقی کودکان و تجارات آنها.

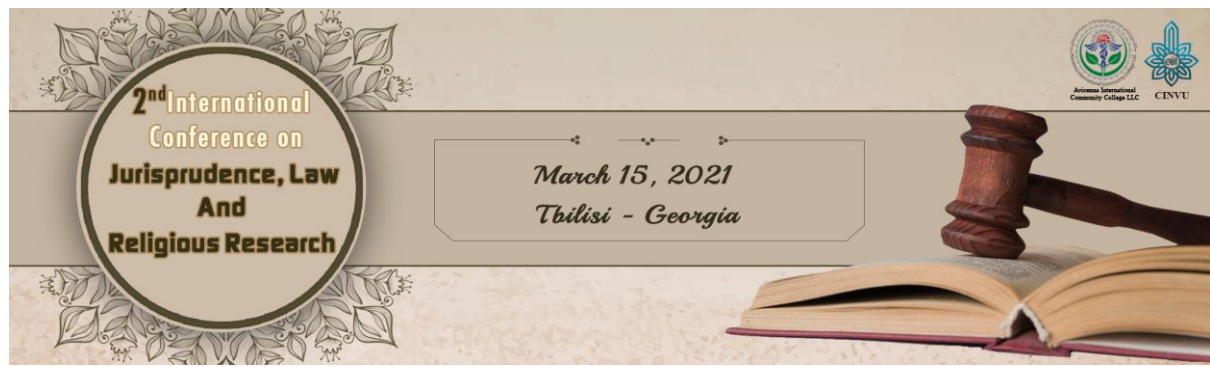
۳) در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی مقرر شده است که «نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم درت او اتفاق بر عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و جد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است» طبق این ماده نفه کودک در هیچ شرایطی بر عهده خودش نیست چه رسد به اینکه نفقه سایر اعضای خانواده را بخواهد تامین کند. اما اگر اضطراری برای کودک پیش آمد که مجبور به کار کردن باشد در این صورت در این صورت دولت باید وارد صحنه شود و این اضطرار را رفع کند. از آنجایی که هنوز ادامی و تدبیری در این مورد اندیشیده نشده است. و کودکان به دلیل شرایط اضطراری یا اجباری در خیابان ها و مکان های نامناسب مشغول به کار هستند لذا ایرادی بر قانون و قانون گذاران وارد است.

نتیجه گیری

باتوجه به مطالعات انجام شده در باب کار کودک مبحث کار کودکان از مباحث به روز و داغ جامع ایران و دیگر ملل است. در این تحقیق با توجه به آیات و روایات فقهای مشهور معاملات و قراردادهای کودکان را جایز ندانسته اند چرا که با توجه به ادله ای که ذکر شد این گروه در فقه محجور شناخته شده اند و حجر طرفین عد و قرار داد باعث بطلان عقد می باشد چرا که یکی از شرایط صحت معامله که اهلیت می باشد را کودکان دارا نمی باشد. مهمترین عامل کار کودکان فقر می باشد و بعد از هم پاشیدگی خانواده ها و بی سرپرست بودن در ردیف بعدی قرار می گیرند. اگرچه حمایت های مثل بهزیستی، اورژانس اجتماعی برای حمایت از کودکان کار (که شامل کودکان بدسرپرست و بی سرپرست و غیره ... شده است. اما ضمن ایرادات وارده بر قوانین مربوط به حقوق کودکان که شامل مواد ۸۸ قانون کار که گارگاه های خانوادگی را مشمول قانون کار ندانسته. ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که مجازات شش ماه تا یکسال زندان یا جزای نقدی ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال را برای کسانی که از کودکان بهره کشی میکنند مقرر شده. به خاطر بازدارنده نبودن مجازات و عدم اجرای صحیح قوانین مربوط به کودکان که منجر به خلاء قانونی در بحث حقوق کودکان شده است. پیشنهاد می شود دولت درصدی از بودجه کشور به طور مشخص با این قشر اختصاص دهد. و اینکه فقط یک نهاد به طور مشخص مسولیت این قشر را برعهده بگیرد چرا که در حال حاضر وزارت دادگستری، وزارت بهداشت، وزارت کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، سازمان زندانها، قوه قضایه و همچنین نهادهای غیر دولتی وظیفه ی حمایت از کودکان را برعهده دارد اما روزانه به جای بهبودی شرایط کودکان کار روزانه مشکلات و آسیب های ناشی از کار کودکان و همچنین تعداد کودکان کار رو به افزایش است. بنابراین تجربه

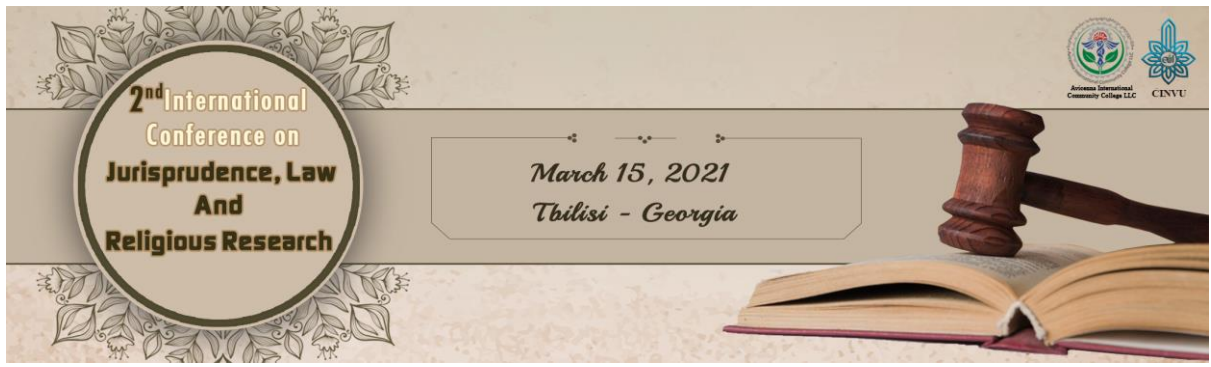


ثابت کرده است که وقتی مسولیت به چندین نهاده محول شود هر کدام با پاسکاری و محول کردن مسولیت ها به هم ازانجام وظیفه سرباز می زنند و این نتیجه ای جز افزایش روز افزون کودکان و نجویان در کنار خیابان و مراکز غیر قانونی است از طرفی سرمایه ی انسانی کشور در حال نابودی است و از طرف دیگر در سطح بین المللی ما نمی توانیم ادعا کنیم که کشور ما دارای کودک کار نیست بیا درصد کمتری دارد.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابروانی، محمد باقر، ۱۳۹۰ ترجمه و شرح دروس تمهیدیہ فی الفقہ الاستدلالی، جلد دوم، قم انتشارات نصایح چاپ اول
۳. انصاری، مرتضی، ۱۳۸۹ مکاسب الجز اول، چاپ اول، انتشارات خرسندی
۴. بجنوردی موسوی، ۱۳۸۰ قواعد فقه، تهران، انتشارات موسسه‌ی عروج
۵. صفایی، حسین، قاسم زاده مرتضی، ۱۳۸۸ اشخاص و محجورین، چاپ پازدهم، تهران، انتشارات سمت
۶. حویزی، عبدالعلی، ۱۳۹۰، تفسیر نورالثقلین، چاپ اول، قم، انتشارات اسماعیلیان
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۱ وسایل الشیعه، جلد ۱۳، بیروت، دارالاحیاء اثرات العربی
۸. نجفی، محمد حسن، ۱۳۹۵، جواهر الکلام، جلد ۲۶، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
۹. هکی، فرشید، ۱۳۹۱ گفتمان بشر برای همه. چاپ دوم، تهران، انتشارات شهر دانش
۱۰. محقق داماد، مصطفی، عبدی پور، حسن، شیرینی، حسن، قنواتی، جلیل، ۱۳۹۳ حقوق قراردادها در فقه امامیه، جلد دوم تهران، انتشارات سمت
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۱ قواعد کلی عقود و کتاب البیع و المتاجر، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
۱۲. خردمند، سعید، ۱۳۹۴ شرح فقهی حقوقی العروۃ الوثقی، کتاب اجاره، تهران، چاپ اول، انتشارات مجد
۱۳. خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد سوم، قم، انتشارات مدرسه فقاہت
۱۴. قارویی، حسن، ۱۳۹۵، النضید فی شرح الروضه الشہید، جلد ۲۳، چاپ اول، قم، انتشارات عالمه
۱۵. رضوان طلب، محمدرضا، ۱۳۸۹، حقوق محجورین، قم، نشر بوستان کتاب چاپ اول
۱۶. تولایی، حسین، بیگلریان، اکبر، رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۵ صفحات ۳۰۱-۳۳۶
۱۷. میدانی، علیرضا، عبدی، الهام، تاثیر کار کودک و بزهکاری اطفال، فصلنامه‌ی مطالعات علوم اجتماعی، بهار ۱۳۹۵ دور دوم شماره ۱
۱۸. غفاری، بهنام، نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۷ شماره ۲
۱۹. مجتهدی، محمد رضا، عزیز لطفی، اکبر، بررسی تطبیقی کار اجباری در ایران در پرتو اسناد بین المللی، نشریه‌ی قانون و کلاسی دادگستری، پاییز و زمستان ۹۲ شماره ۳۱ و ۳۲
۲۰. مراغی، میر عبد الفتاح، ۱۳۸۸، العناوین جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات جنگل جاودانه
۲۱. قانون مدنی
۲۲. قانون کار



۲۳. قانون حمایت خانواده